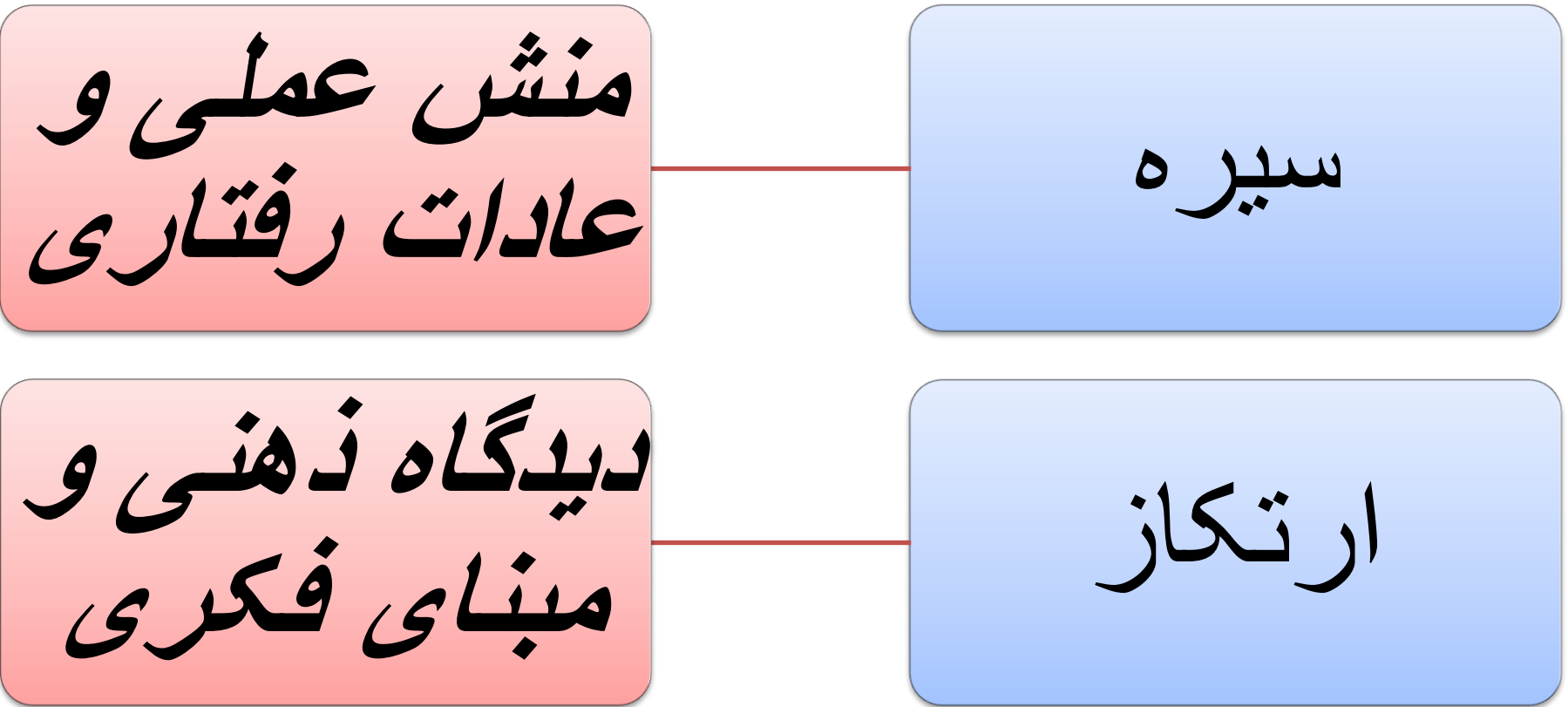


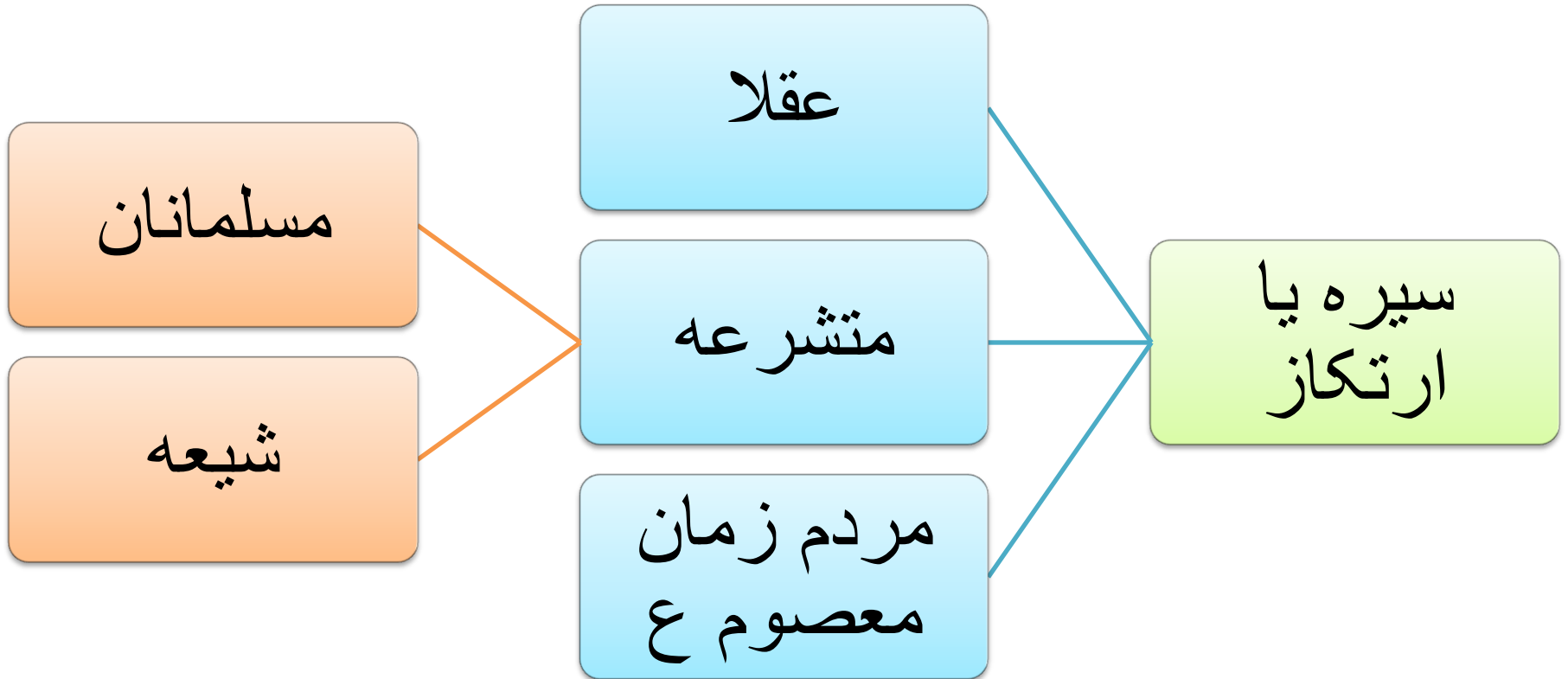
علم أصول الفقه

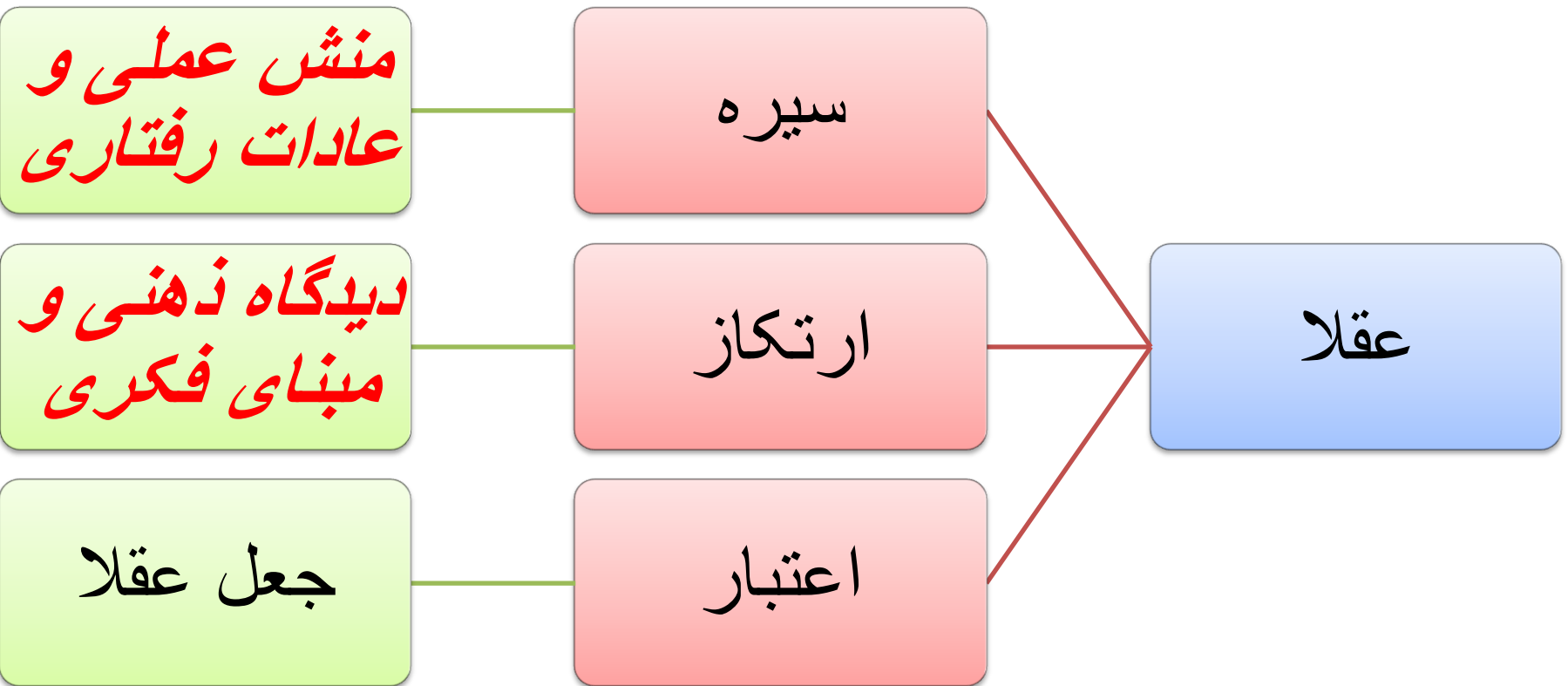
٧٠ ١٨-١-٩٣ حجية الظن في نفسه

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

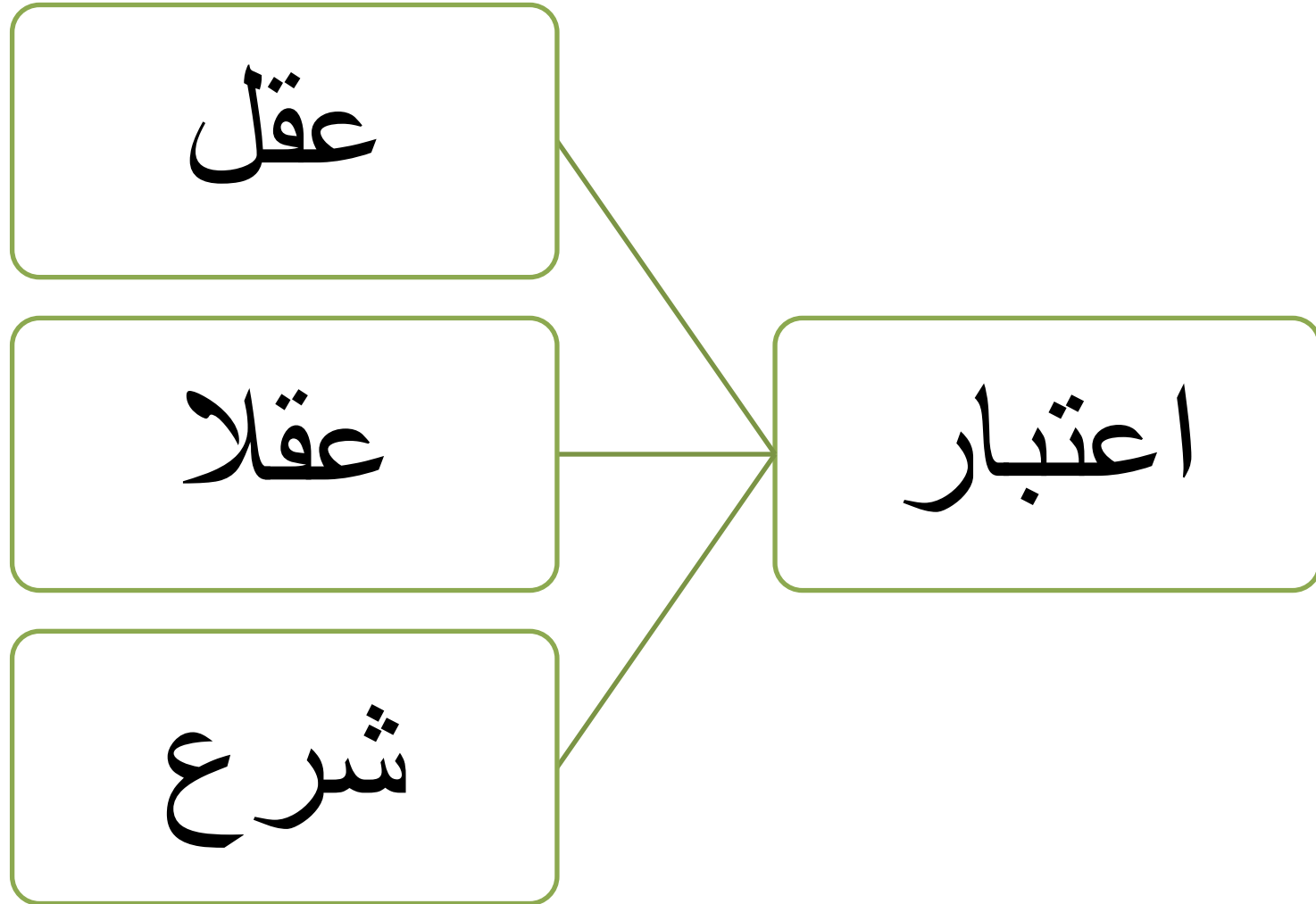


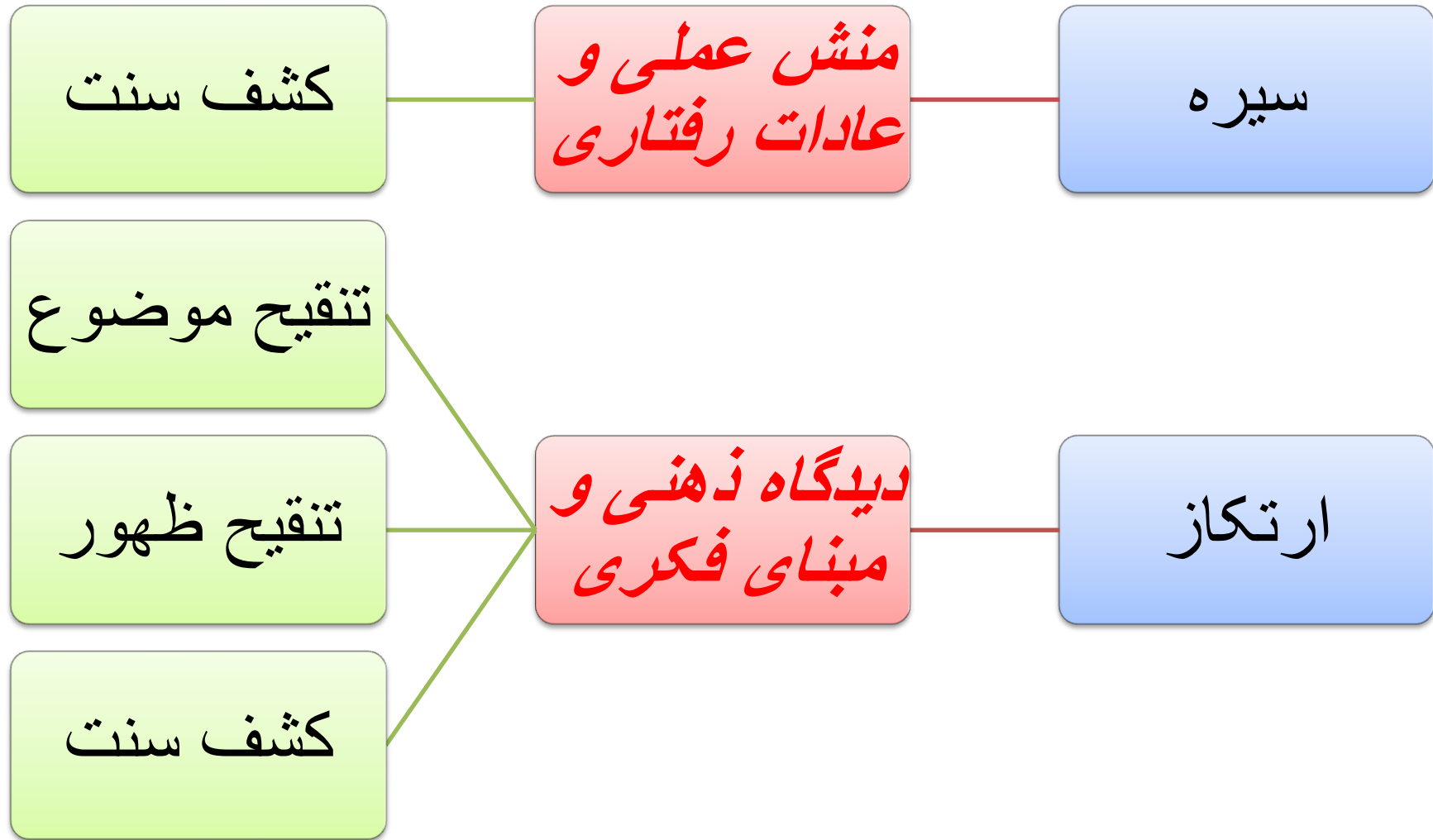
میزان احتمال تأثیر موقعیت



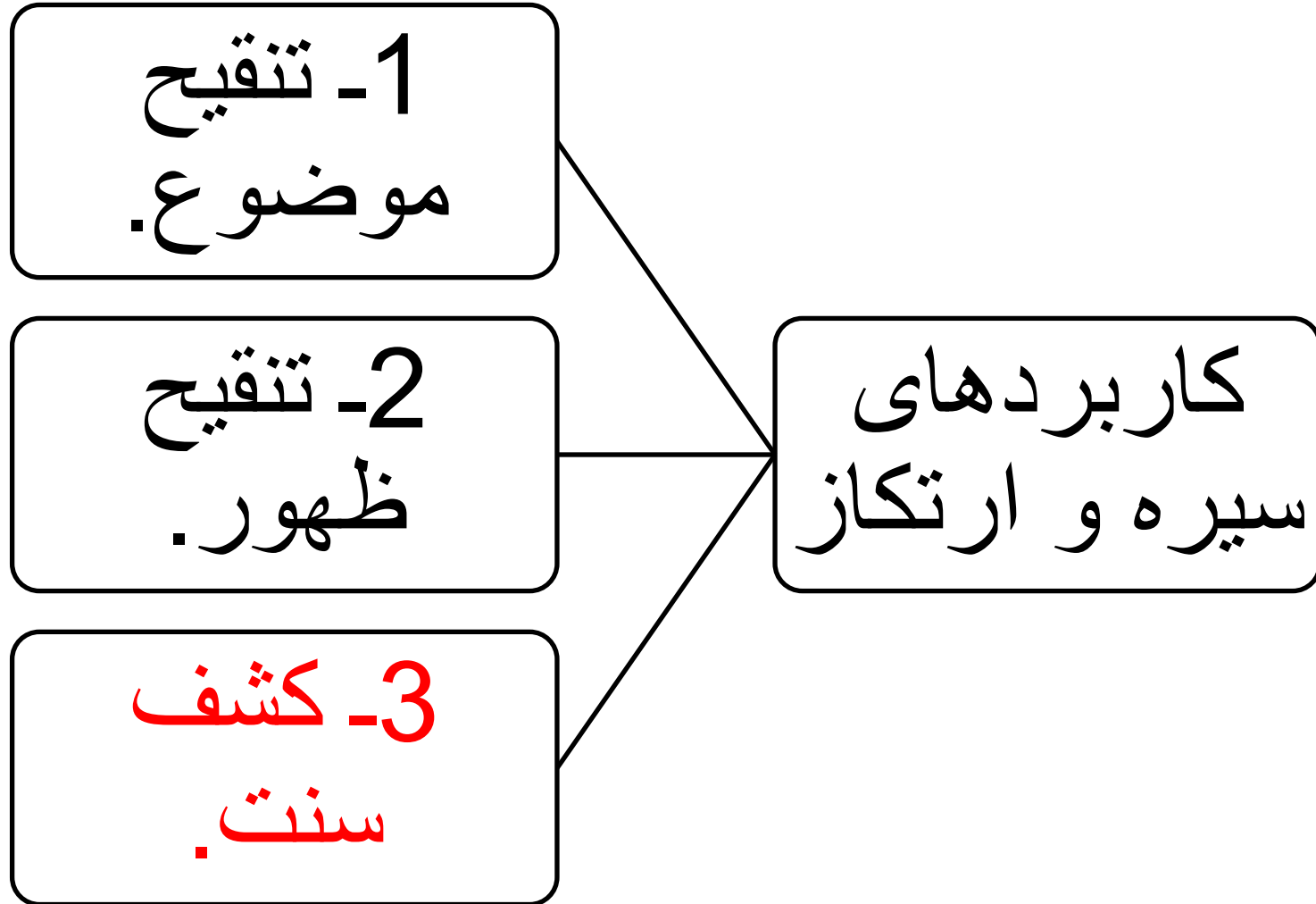


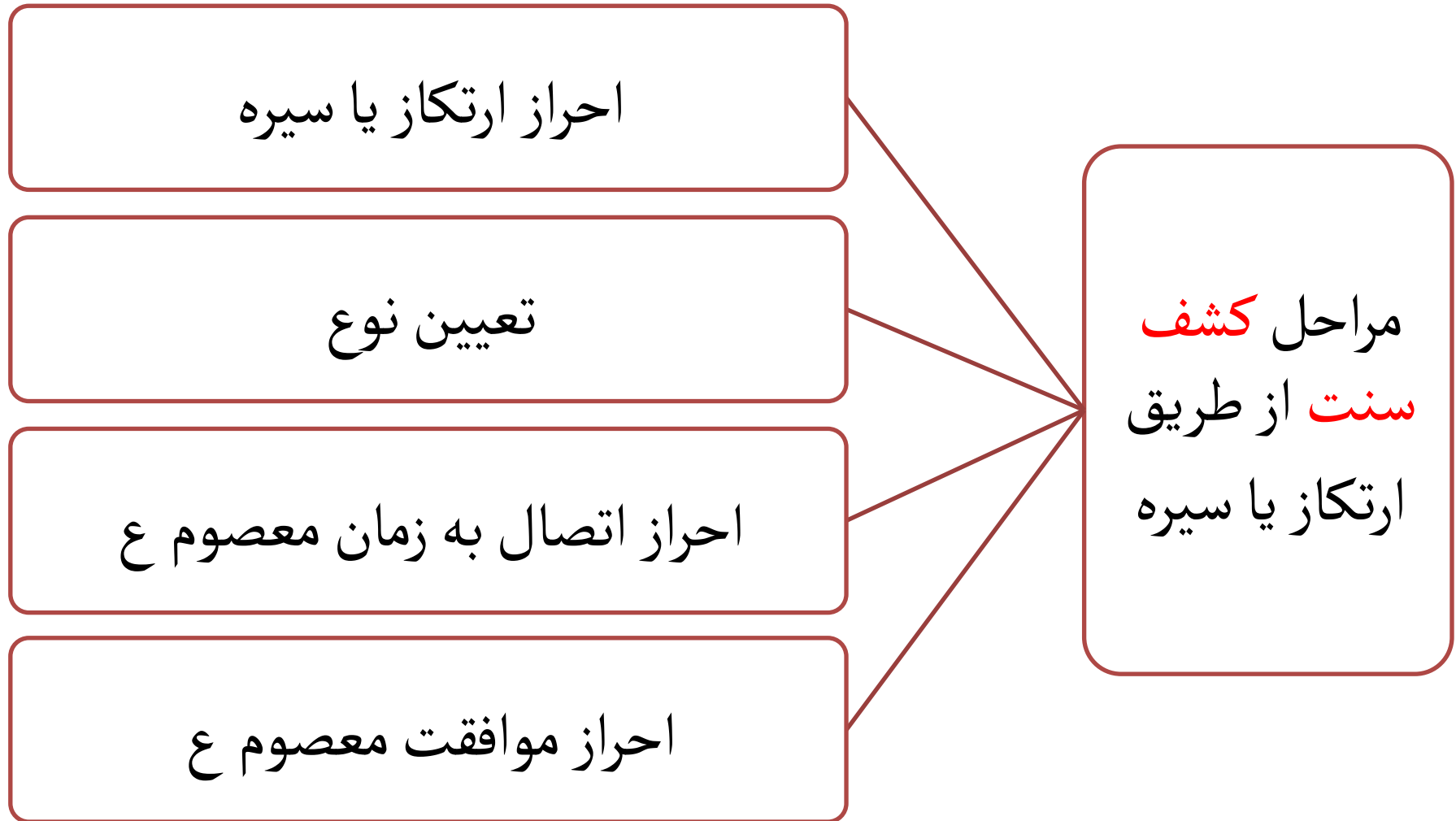
ارتكازات عقلایی و احكام عقل

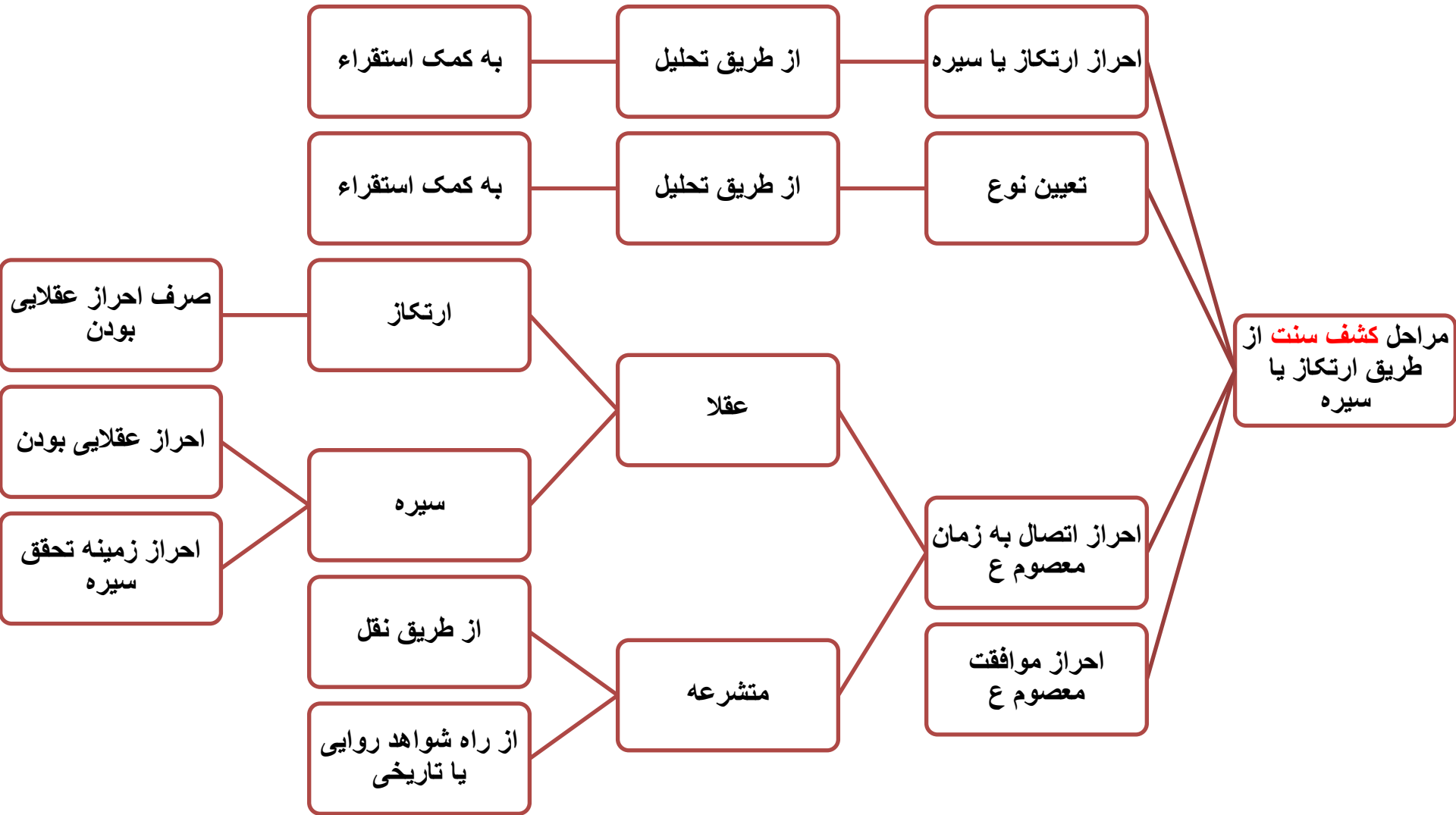


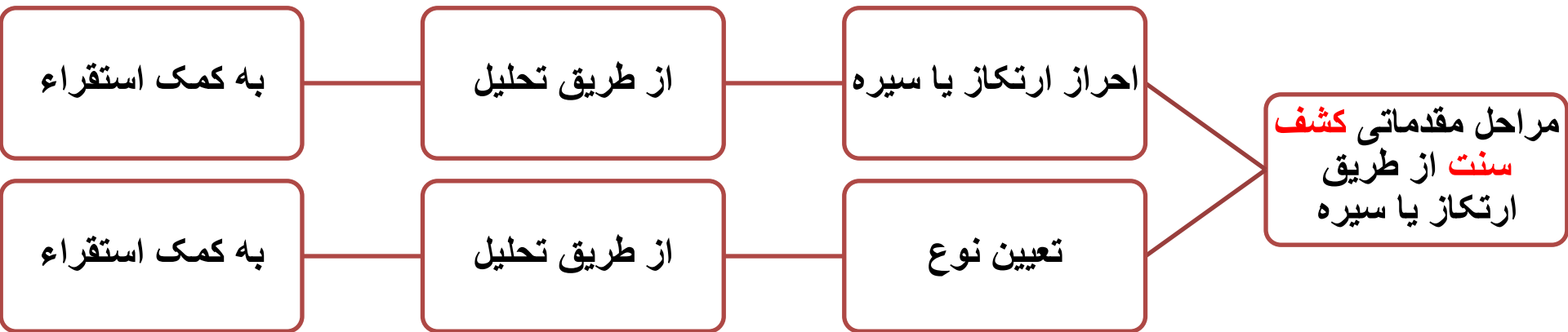


کاربردهای سیره و ارتکاز

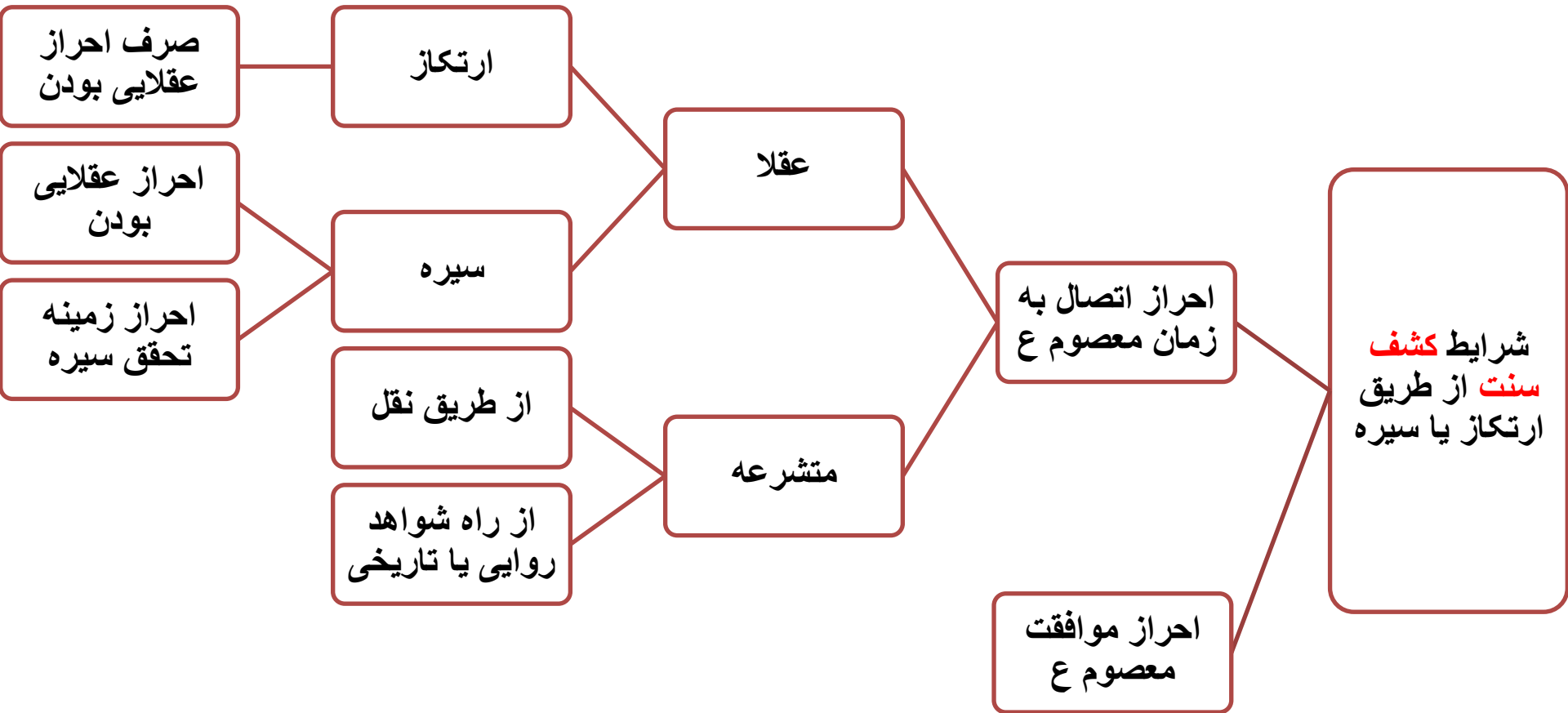


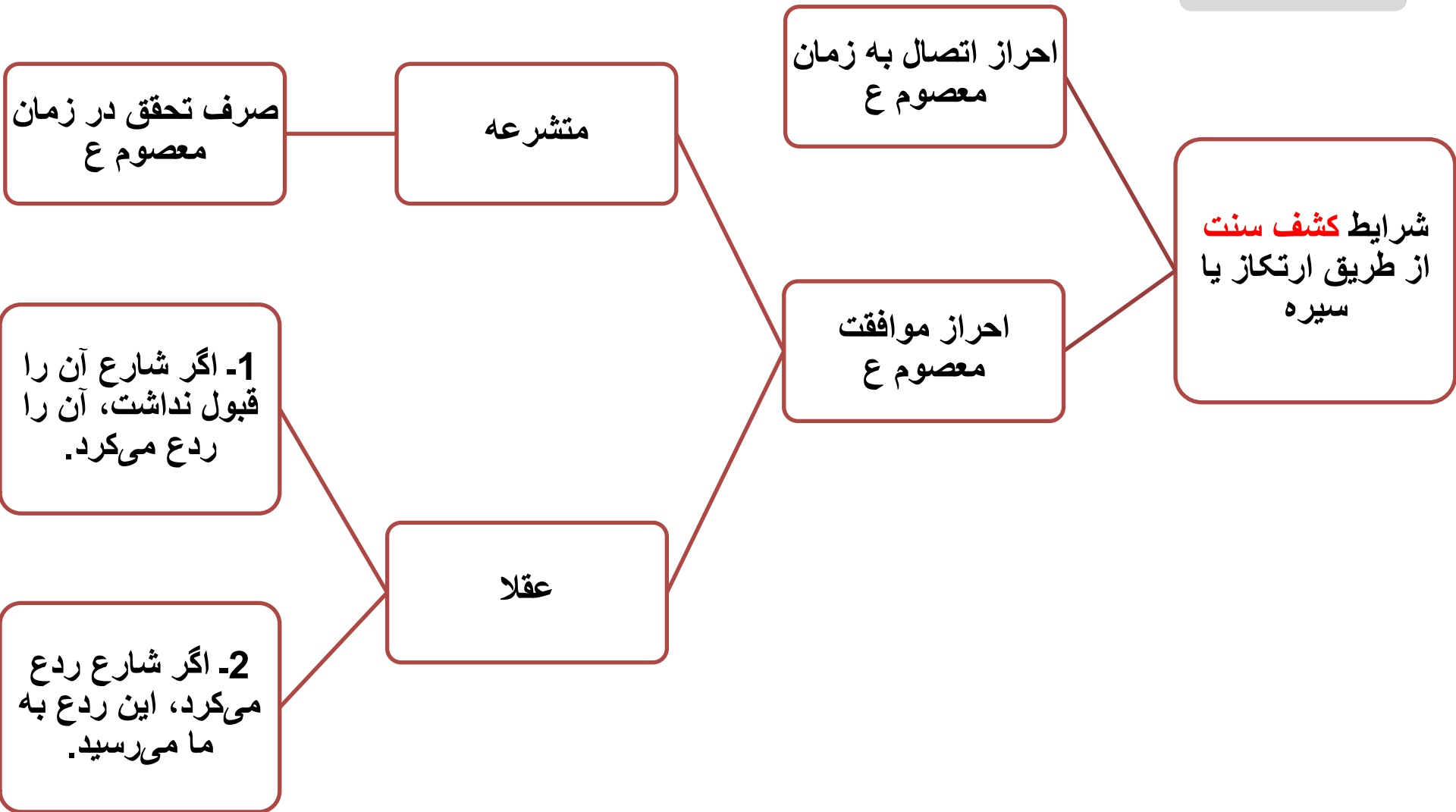


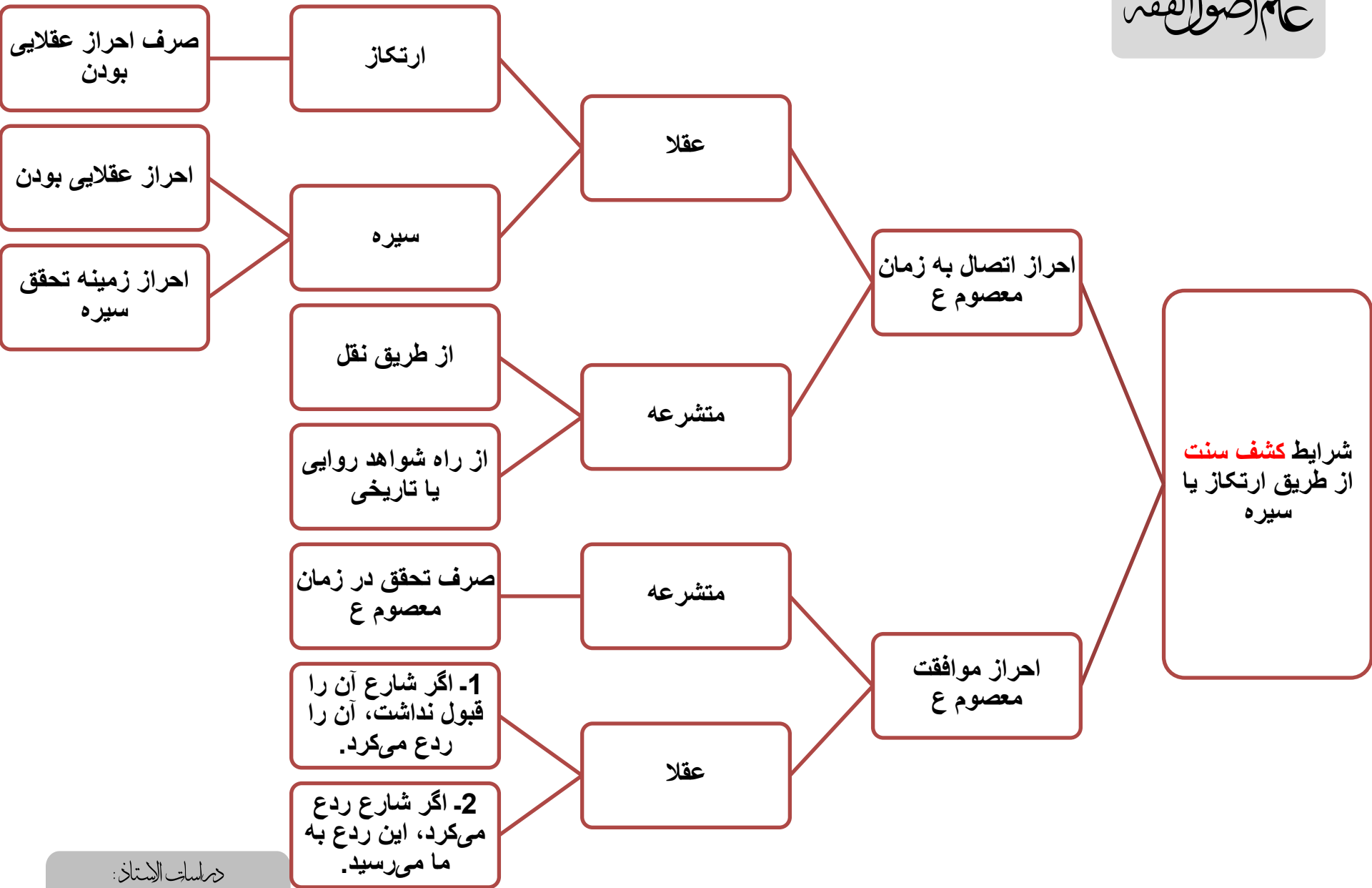


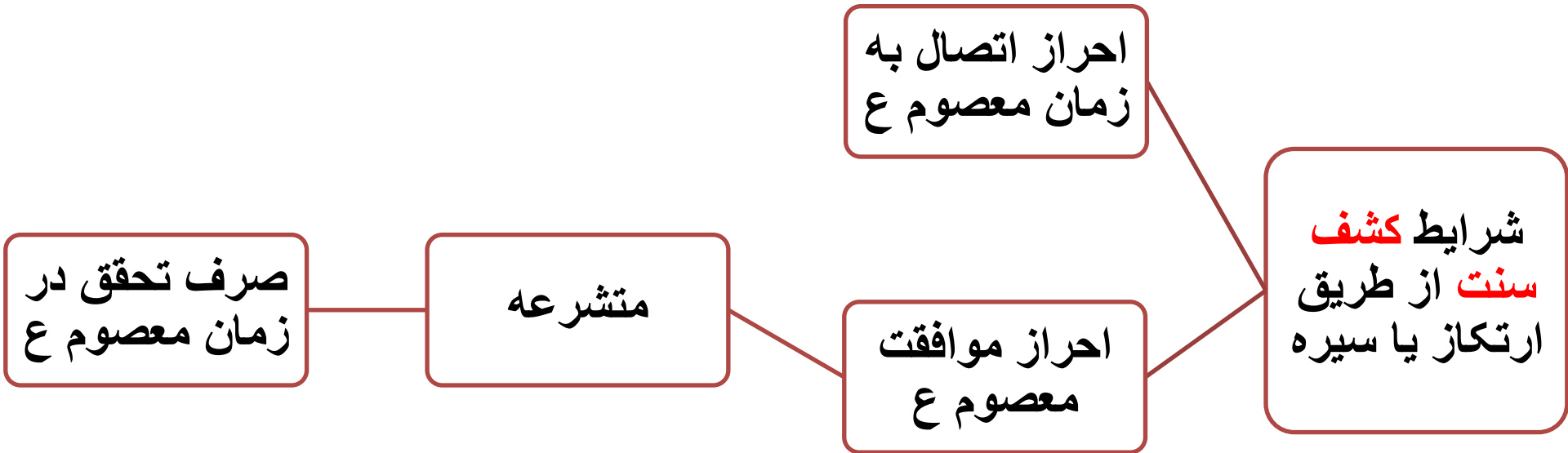


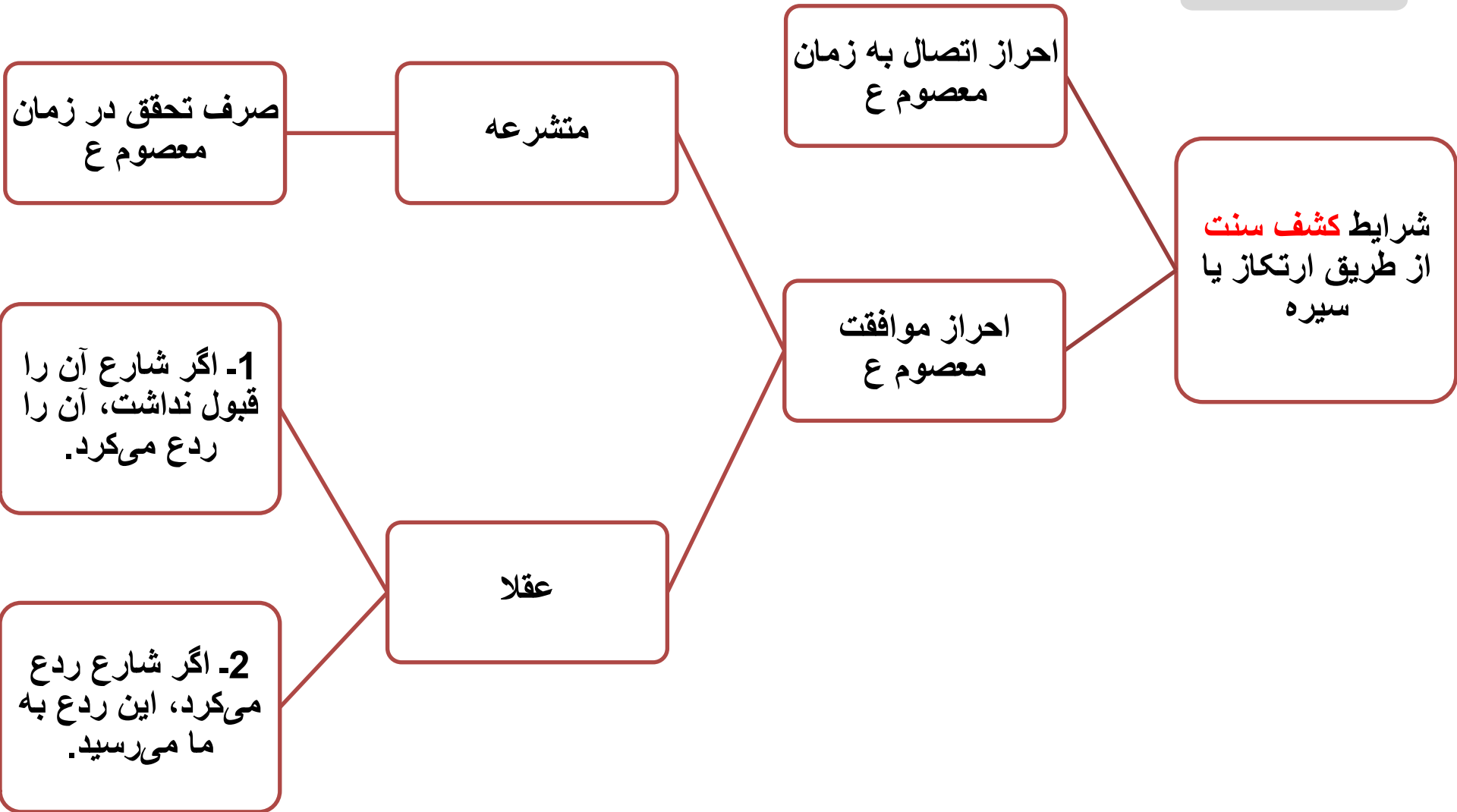








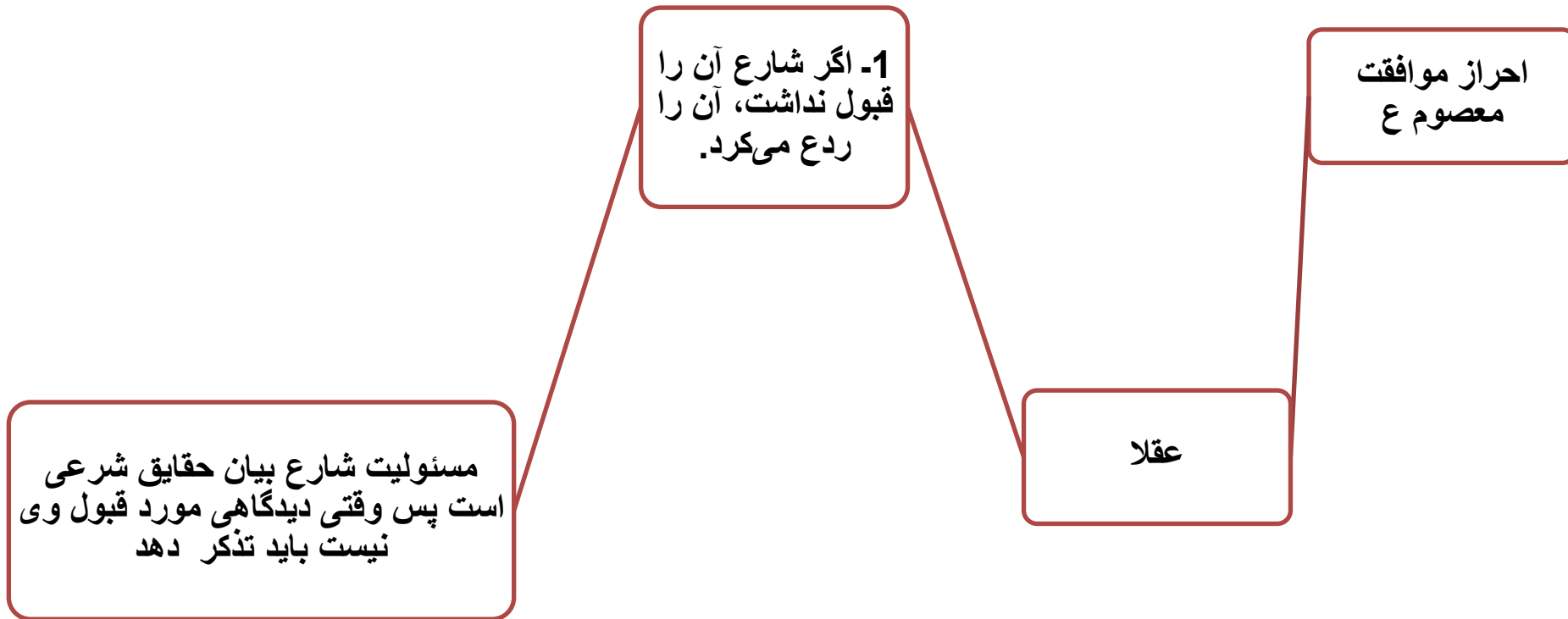




1- اگر شارع آن را قبول نداشت، آن را رد می‌کرد.

عقلا

احراز موافقت
معصوم ع



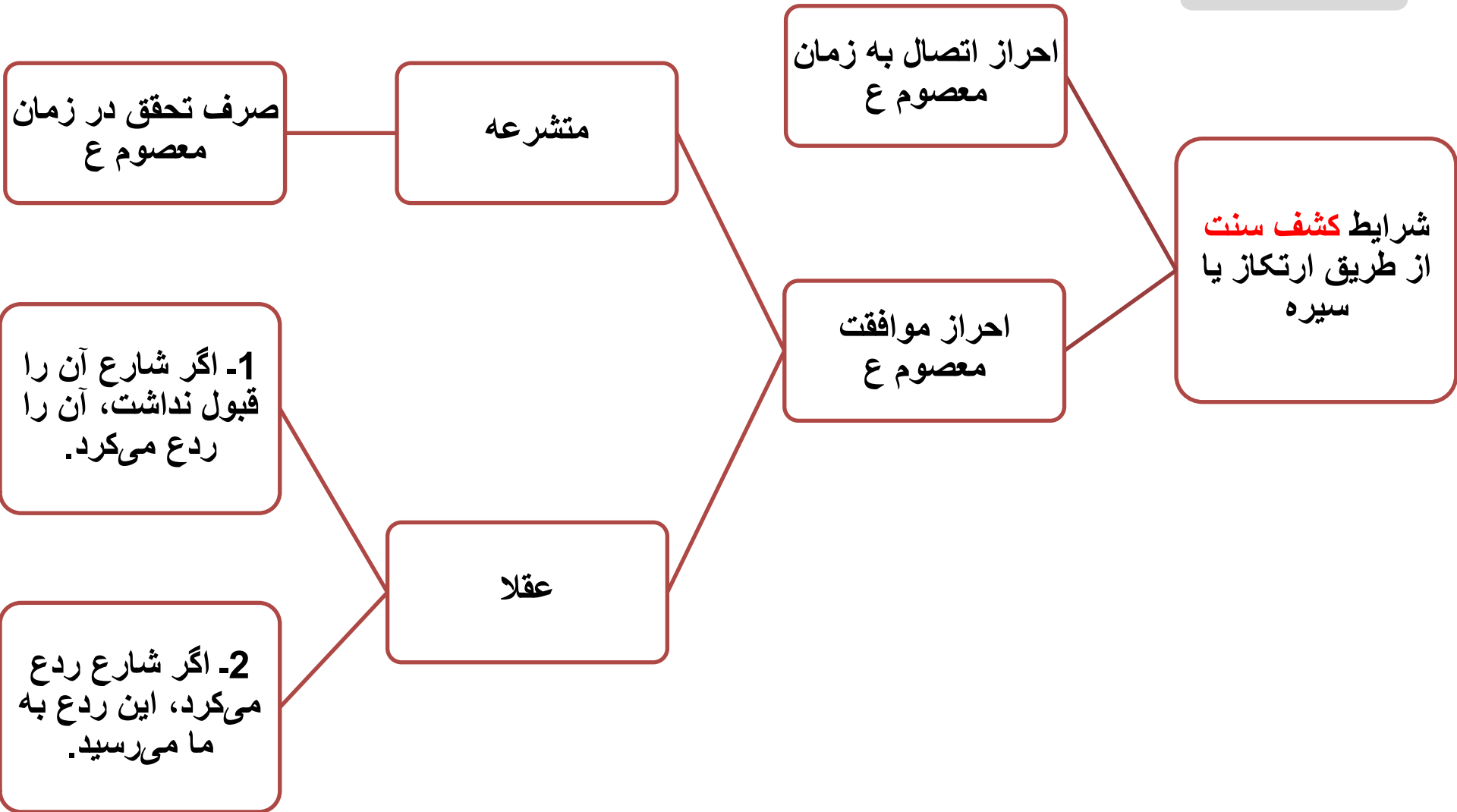
مسئولیت شارع بیان حقایق شرعی
است پس وقتی دیدگاهی مورد قبول وی
نیست باید تذکر دهد

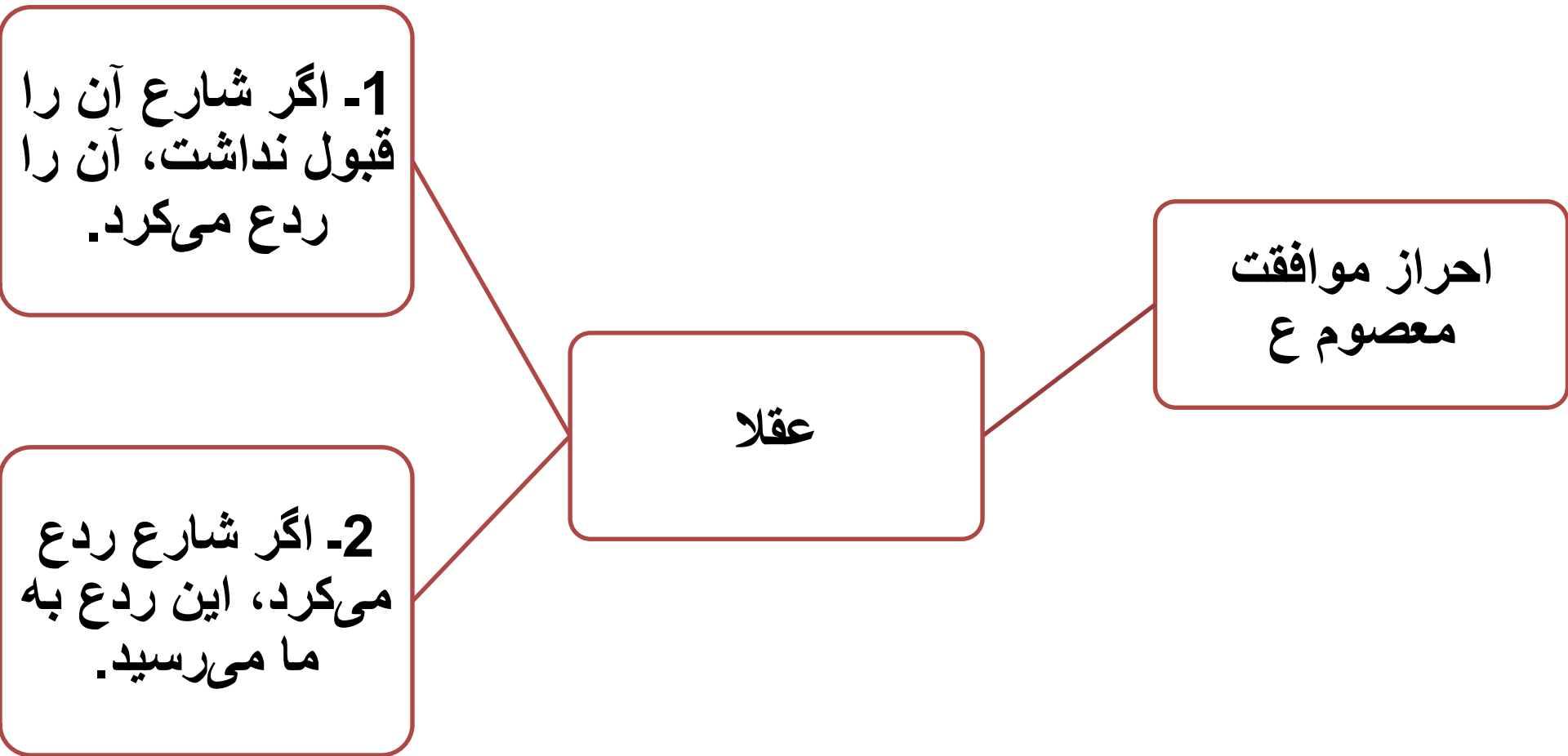
1- اگر شارع آن را
قبول نداشت، آن را
ردع می‌کرد.

احراز موافقت
معصوم ع

ظهور حال

عقلا





راه كشف امضای معصوم

- شرطية دوم: عدم وصول ردع دليل بر نبود ردع
- وقتی می‌گوییم عرف باید کاشف از رأی معصوم باشد، مقصود کشف قطعی و یقینی است. یک راه برای به دست آوردن این یقین آن است که در زمان معصوم - علیه السلام - زندگی کنیم و از خود معصوم - علیه السلام - بشنویم که می‌فرمایند فلان رفتار یا فلان اعتقادی که مردم دارند، درست است. ما از این امکان محرومیم و به طور عادی حضور معصوم - علیه السلام - را نمی‌توانیم درک کنیم.

راه كشف امضای معصوم

- راه دیگر این است که به تأیید و امضای معصوم - علیه السلام - دست پیدا کنیم.
- اگر این دست‌یابی از طریق خبر باشد، به بحث حجیت خبر ارتباط پیدا می‌کند و اگر به صورت عدم **ردع** باشد که معمولاً ما با همین مواجه هستیم، داخل بحث فعلی ما است.

راه کشف امضای معصوم

- وقتی یک سیره و ارتکاز ردع می‌شود، این ردع به دلیل اینکه با ذوق عقلا ناسازگار است، بلافاصله در سطح جامعه عکس العمل ایجاد می‌کند.
- به اصطلاح روانشناسی اجتماعی وقتی یک چیزی با **نورم** جامعه، ارزش‌های تثبیت شده و رفتارهای تثبیت شده ناسازگار است، بلافاصله نسبت به خودش عکس العمل وسیع اجتماعی ایجاد می‌کند.

راه کشف امضای معصوم

- همه به هم می‌گویند چنین اتفاقی افتاده و حضرت مثلاً فلان طور فرمودند. برای یک عده‌ای این سؤال پیدا می‌شود که آیا راست است؛ واقعاً چنین چیزی را گفتند یا چنین رفتاری را داشتند.
- وقتی چنین چیزی رخ می‌دهد، به طور طبیعی این نقل می‌شود و این نقل گسترش پیدا می‌کند و به نسل‌های بعد منتقل می‌شود تا به زمان ما می‌رسد.

راه کشف امضای معصوم

- به تعبیر فنی احتمال اینکه شارع یک سیره یا ارتکاز عقلایی را ردع کرده باشد و هیچ نشانی از آن ردع به ما نرسد، به لحاظ حساب احتمالات وجود ندارد؛ هر چند عقلاً محال نیست.
- فرض ما در این استدلال آن است که سیره یا ارتکاز عقلایی باشد و اگر سیره یا ارتکاز یک گروه خاص باشد، شاید چنین نتیجه‌ای نتوانیم بگیریم.

راه کشف امضای معصوم

- مطلق وصول معیار وصول ردع
- همچنین آیا معنای ردع این است که این ردع به سند معتبر و در کتاب‌های معتبر به ما برسد یا مقصود مطلق وصول است؛ هرچند از یک طریق غیر معتبر یا در یک کتاب غیر معتبر باشد؟
- در پاسخ می‌گوییم **معیار مطلق وصول** است. بنابراین حتی اگر در کتاب غیر معتبری نقل شود که مثلاً امام صادق - علیه السلام - فلان **سیره** یا ارتکاز عقلایی را ردع کردند، دیگر این استدلال ما مخدوش خواهد بود و نمی‌توانیم بگوییم ردعی به ما نرسیده است. پس ردع نشده است. پس امضا شده است.

راه كشف امضای معصوم

- نتیجه بخش بودن ردع
- اگر به ردع معصوم - علیه السلام - توجهی نشود، اصلاً ردع حاصل نمی‌شود؛ یعنی اینکه حضرت چیزی می‌فرمایند و مردم اعتنا نمی‌کنند به گونه‌ی که اگر دوباره چنین چیزی زمینه تحقق پیدا کند، مردم بدان گرایش پیدا می‌کنند و به همان **رویه** عمل می‌کنند، ردعی محقق نشده‌است.

راه كشف امضای معصوم

- در حقیقت در این موارد هنوز حضرت به مسئولیت خودش عمل نکرده است. حضرت باید آن قدر بیان کنند که اگر دوباره زمينه آن کار پیدا شد، مردم آن کار را نکنند. اگر ردع با این خصوصیت انجام شود، حتماً به نسل های بعد منتقل می شود.

راه کشف امضای معصوم

- به عبارت دیگر اگر صرف بیان حضرت برای انجام مسئولیت کافی بود، همین که حضرت در گوش یک نفر بگویند ما با این چیز مخالفیم، به مسئولیت خودش عمل کرده بود در حالی که ردع این است که وقتی مردم زمان حضرت روشی دارند یا دیدگاهی دارند که حضرت با آن مخالفاند، جلوی او را بگیرند.
- ردع یعنی برگرداندن؛ البته نه اینکه همه را به جبر برگردانند، بلکه مخالفت طوری باشد که در حد ممکن است به دیگران برسد تا جلوی این جریان گرفته شود.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ
- این نکته ثبوتی در بحث سیره و ارتکاز بسیار مهم است که سیره‌ها و ارتکازات عقلایی به لحاظ کمیت و کیفیت با هم متفاوت‌اند؛ یعنی میزان رسوخ یک سیره در جامعه یا یک ارتکاز در اذهان مردم و نیز مقدار شیوع سیره‌ها فرق می‌کند. اگر معصوم - علیه السلام - می‌خواهد با یک سیره یا ارتکاز مخالفت کند، میزان مخالفتش به لحاظ کمیت و کیفیت تابع میزان آن سیره و ارتکاز است.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- گاه زمينه تحقق يك سیره کم و گاهی و زیاد است؛ مثلاً میزان گسترش سیره در حجیت ظهور با مسأله حیازت به یک اندازه نیست.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- ظهور چیزی است که انسان دائم با آن سر و کار دارد. مردم از صبح تا شب با هم حرف می‌زنند و در تمام سخن گفتن‌ها به ظواهر کلمات یکدیگر اخذ می‌کنند.
- بنابراین ظهور چیزی نیست که انسانی در زندگیش **با آن برخورد نداشته باشد.**
- اما ممکن است یک نفر اصلاً در عمرش حیازتی نکرده باشد یا اگر هم حیازتی کرده‌است، چنین نیست که هر روز نیاز به حیازت داشته باشد.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- بنابراین اگر شارع حجیت ظهور را در حوزه امور دینی قبول ندارد، ممکن نیست با یک بار گفتن این سیره یا ارتکاز را ردع کند؛ زیرا چیزی که در عمق جان مردم نفوذ کرده‌است و در ذهن آن‌ها راسخ است و به آسانی نمی‌توان آن را از ذهن‌ها پاک کرد.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- انسان که به صورت عادی به پیش فرض‌ها و زمینه‌های ذهنی و عملی خود توجهی ندارند. اگر مثلاً به عوام بگویند ظواهر حجت است یا نه؟ از شنیدن این واژه متحیر می‌شود؛ چون با توجه به اینکه زندگی‌اش ناخودآگاه بر اساس ظواهر سامان یافته‌است، اصلاً احتمال مشروع نبودن ظواهر را هم ندهد. بنابراین شارع باید مخالفتش را مکرر به لحن شدید و با تعابیر مختلف بیان کند تا بتواند این جریان را تغییر دهد.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- بنابراین اگر در یک کتاب غیر معتبر روایتی ذکر شود که شارع این سیره‌ها را ردع کرده‌است، گرچه وصول ردع صادق است، به درد نمی‌خورد، بلکه حتی اگر همین یک روایت به سند معتبر هم به دست ما برسد، به درد نمی‌خورد؛ چون اگر ائمه — علیهم السلام — واقعاً مخالف بودند، نمی‌شود سیره‌های با این گسترش و عمق را با یک روایت غیر معتبر یا حتی معتبر ردع کرده باشند.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- برای همین اگر روایت رادع به سند معتبر رسیده باشد، آن را به تأویل می‌بریم و می‌گوییم مقصود حضرت این نبوده‌است؛ چنان‌که درباره روایات ناهی از اخذ به ظواهر قرآن چنین می‌گویند.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- بلکه اگرده‌ها روایت داشتیم که ظواهر حجت نیست، همه را کنار می‌گذاشتیم؛ چون اصولاً اخذ به ظاهر نکردن یک چیزی نیست شارع بتواند از این طریق جلوی آن را بگیرد.
- باید شارع سیستم بیانی خودش را که به فرض غیر از سیستم بیانی عقلا است، با شدت و تأکید بیان می‌کرد به گونه‌ای که عمل به آن سیستم به یک رویه عمومی تبدیل شود.

تفاوت سیره‌ها و ارتکازات به لحاظ قوت و نفوذ

- چگونه ممکن است طی بیش از این دو قرن و نیم که معصومین - علیهم السلام - حضور داشتند، هیچ کس **چنین** سیستمی را از شارع ندیده باشد و فقط روایات راویات رادع شنیده باشند!